

## معرفی گلدسته اندیشه

تألیف مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی

محمد رضا ابونئی مهریزی\*

### چکیده

گلدسته اندیشه تألیف محمد امین وقاری طبسی یزدی (زنده در سال ۱۰۹۸ ق) از ادبا و دانشوران سده یازدهم هجری، و از اعقاب مولانا شمس‌الدین محمد طبسی از رجال ادبی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم هجری است. وی در طول حیات خود، نامه‌های بسیاری خطاب به رجال سیاسی، علمی و فرهنگی نوشت و نیز به دلیل مهارتی که در نثر و نظم داشت، نامه‌ها و عرایضی را به خواهش دیگران در مناسبت‌های مختلف نگاشت. سرانجام در سال ۱۰۸۳ ق نامه‌های خود را گردآوری کرد و دیباچه‌ای بر آنها نوشت و به گلدسته اندیشه موسوم ساخت. وی این اثر را به دوازده بخش تحت عنوان دوازده برگ تقسیم کرده است. نسخه‌ای از گلدسته اندیشه به شماره ۳۶۷۱ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود که به سال ۱۰۸۵ ق در زمان حیات خود مؤلف در اصفهان کتابت شده است.

کلیدواژه: گلدسته اندیشه، وقاری طبسی، ترنل و نامه‌نگاری، منشآت دوره صفوی.

گلدسته اندیشه تألیف مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی، از ادبا و هنرمندان سده یازدهم هجری قمری است. از تاریخ دقیق ولادت و وفات وی اطلاعی در دست نیست، لیکن از خلال ماده تاریخ‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون توسط وی ساخته شده و در آثار او و احیاناً آثار دیگران منعکس شده، پیداست که عمری دراز یافته و از

\* پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی.

حدود اوایل سده یازدهم هجری تا دست کم سال ۱۰۹۸ ق در قید حیات بوده است.<sup>۱</sup> وی از اعقاب مولانا شمس الدین محمد طبسی از رجال ادبی اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم هجری قمری بوده<sup>۲</sup>، و شرح احوالش در لباب الالباب محمد عوفی<sup>۳</sup> و آثار البلاد و اخبار العباد زکریای قزوینی<sup>۴</sup> و تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی<sup>۵</sup> ذکر شده است.

آن چنان که وقاری خود اظهار می‌دارد، حیات علمی و ادبی، هیچ‌گاه از میان اجداد و دودمان وی گسیخته نشد.<sup>۶</sup> پدر وی مولانا عبدالفتاح طبسی و عمش مولانا عبدالکریم طبسی نیز از رجال علمی بودند و به ویژه عمش از علمای شهیر سده یازدهم بود. وی در شیراز بسر می‌برد و در آنجا به تدریس اشتغال داشت.<sup>۷</sup>

وقاری تحصیلاتش را در یزد، نزد علمایی چون مولانا محمد صادق یزدی و مولانا محمد باقر یزدی سپری نمود و به سرعت مراتب ترقی را طی نمود و در شاخه‌های گوناگون علوم و معارف وقت به ویژه در ادبیات و خوشنویسی از سرآمدان روزگار خویش گردید.<sup>۸</sup> وی علاوه بر دانش وسیع و زبان فصیح، از سجایای اخلاقی نیز برخوردار بود و همین موضوع موجب شد تا طرف توجه و هم‌نشین بزرگان زمان به ویژه بزرگان یزد و اصفهان گردد.<sup>۹</sup>

وی در طول حیات خویش، نامه‌های بسیاری خطاب به رجال سیاسی و علمی و هنری نگاشت و نیز به دلیل مهارتی که در نثر و نظم داشته، نامه‌ها و عرایضی را به خواهش دیگران، به مناسبت‌های مختلف به تحریر درآورد. سرانجام در ماه شعبان سال ۱۰۸۳ ق او با گردآوری و تدوین نامه‌هایش و نگارش دیباچه‌ای بر آنها، اثری را تحت عنوان گلدسته اندیشه پدید آورد.<sup>۱۰</sup>

وقاری علاوه بر گلدسته اندیشه آثار دیگری را نیز به رشته تحریر درآورده است. وی دیباچه برخی از این آثار را در جزء اول کتاب گلدسته ذکر کرده است، اما برجسته‌ترین اثر وی همین کتاب گلدسته اندیشه و دیگری دیوان اشعار اوست که از جهاتی مکمل یکدیگرند.

گلدسته اندیشه در شمار آثاری است که در قالب منشآت به عنوان سرمشقی برای ترسل و نامه‌نگاری تدوین شده‌اند. منشیان و کاتبان از اینگونه آثار به عنوان الگو استفاده می‌نمودند تا نگاشته آنان، متناسب با شأن و منزلت اشخاص و موضوع و هدفی باشد که به سبب آن نامه‌نگاری می‌نمودند. آثاری چون عتبة الکتبة منتجب الدین

جوینی و التوسل الی التوسل بهاءالدین بن مؤید بغدادی از جمله برجسته ترین این گونه آثار به شمار می‌روند.

وقاری در ضمن بیان انگیزه تدوین این اثر می‌نگارد:

شبی از شبها... یکی از دوستان ارجمندم از در کاشانه‌ام درآمد... و برگی چند غنچه مانند پیچیده از گریبان برآورده، گفت:... دانی که این نوشته‌ها چیست و نویسنده این نامه‌ها کیست. گفتم: نی...، گفت: روزگاری گردیده‌ام و برخی از آنچه نگاشته‌ام را گشته از جا برچیده‌ام. آرزو دارم که به زبان پارسی که آمیخته تازی نباشد، دیباچه‌ای بر این بنویسی.. آرزویش پذیرفتم و به آستین مهربانی گرد این اندیشه از آینه سینه‌اش رفتم و این گل رنگ‌آمیز را دوازده برگ نموده هم‌رنگان را در پهلوی هم جای دادم و نامش گلدسته اندیشه نهادم.<sup>۱۱</sup>

بدینسان آشکار می‌شود که وقاری به خواهش یکی از دوستانش، نامه‌های خویش را گردآوری و تدوین نموده و دیباچه‌ای بر آنها به زبان فارسی خالص نگاشته است. این موضوع بیانگر آن است که سره نویسی در زبان فارسی و پیراستن آن از واژگان عربی در آن روزگار هوادارانی داشته است. وی این اثر را آنچنان که از زبان خودش بدان اشارت رفت، به دوازده بخش تحت عنوان دوازده برگ تقسیم کرده است. در اینجا به اجمال به محتویات هر کدام از آنها اشاره می‌شود.

برگ نخستین این اثر به دیباچه‌ها اختصاص دارد. وقاری در ضمن آن، دیباچه‌هایی که بر دیگر آثار خود نوشته از جمله دیباچه دیوان اشعارش را ضبط کرده است. همچنین این برگ مشتمل بر دو رساله کوچک وی نیز هست که اولین آنها در باب قواعد صرف افعال زبان ترکی و دیگری تلخیصی از کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار ملاحسین واعظ کاشفی در بیان اعداد حروف قافیه است.

برگ دوم در باب صورت نامه‌هایی چون نکاحنامه، وقف‌نامه، توبه‌نامه، وصیت‌نامه، آزادنامه و صلح‌نامه است که توسط وقاری برای حاجت دیگران نوشته شده‌اند. در این میان، توبه‌نامه‌های مربوط به بزرگان کشوری و لشکری دربار صفوی است که غالباً به دنبال صدور فرامین پادشاهان صفوی دائر بر منع ارتکاب محرمات، توبه کرده‌اند. همچنین صورت صلح‌نامه‌ای که در این برگ مندرج شده، دلالت بر مصالحه میان بزرگان و اهالی محله عباس‌آباد اصفهان با میانجی‌گری کلانتر آن دارد که به لحاظ اشتغال بر گوشه‌ای از ابعاد روابط اجتماعی ایرانیان در آن عصر بسی مهم

است. صورت مجلس نطعی<sup>۱۲</sup> پوشیدن پهلوان میرزا بیگ کشتی‌گیر از دیگر نامه‌های این برگ است که از حیث روشن‌نمودن کیفیت ارتقای کشتی‌گیران به مقام پهلوانی و ارتباط آن با آداب اهل طریقت از ارزش فراوانی برخوردار است.

برگ سوم گلدسته اندیشه مشتمل بر صورت استشهدان نامه‌هایی است که در گواهی حُسن سلوک و یا بد سلوکی صاحب منصبان یزد خطاب به دربار صفوی نگاشته شده‌اند. در این میان یکی به صورت شهادت و گواهی بد سلوکی حاکم (داروغه) یزد تعلق دارد و در حین استشهدان نامه، ماجرای شورش را در یزد بازگو می‌کند که به دنبال جور و ستم و اجحافات داروغه بر می‌خیزد و سرانجام با پادرمیانی وزیر یزد و صدور فرمان شاه صفوی فیصله می‌یابد. نامه مذکور با توجه به آنکه اخبار آن در دیگر آثار حتی در جامع مفیدی که در تاریخ محلی یزد و معاصر وقاری تألیف شده، انعکاس نیافته و احتمال بودن ارتباط آن با یکی از فرامین سنگی شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ق) در مسجد جامع یزد مبنی بر رفع ستم و اجحاف در حق اهالی یزد،<sup>۱۳</sup> حائز اهمیت فراوانی است.

برگ چهارم، تنها شامل یک نامه، به پادشاهان اختصاص دارد: شیوه خطاب قرار دادن پادشاه و سخن گفتن با او و ظاهراً خطاب به شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق) نگاشته شده.

برگ پنجم گلدسته اندیشه، خود در قالب دو فصل تحت عنوان دو رنگ تدوین شده است: رنگ اول به مکاتیب نسبت به افاضل و اعالی مربوط است. مخاطبان این نامه‌ها غالباً از دانشمندان عصر وقاری هستند که برخی از آنان از اعتبار فراوانی برخوردار بوده‌اند و تواریخ و تذکره‌های عصر صفوی شرح حال بسیاری از آنان را دربردارند. در این میان می‌توان به تعدادی از ایشان چون مولانا خلیل قزوینی، مولانا عبدالکریم طبسی، مولانا محمد صادق یزدی، مولانا محمد باقر یزدی، مولانا محمد شفیع یزدی مشهور به دانشمندخان، مولانا محمد طاهر یزدی، حکیم شمس، حکیم قطب شاه، میرزا محمد علی صائب تبریزی، محمد ابراهیم سالک قزوینی، اسماعیل منصف طهرانی، میرزا محمد مهدی صدر، شاه ابوالمهدی نعمت‌اللهی یزدی و مولانا مؤمن حسین یزدی اشاره نمود. در خلال نامه‌های وقاری به این بزرگان، برخی از جزئیات احوال و زندگانی آنان روشن می‌شود. رنگ دوم از برگ پنجم گلدسته اندیشه در بردارنده نامه‌هایی است که مخاطبان آنها از مصاحبان و دوستان نزدیک وقاری بوده‌اند.

برگ ششم گلدسته اندیشه به نامه‌هایی تعلق دارد که وقاری آنها را در جواب نامه دیگران نوشته است. مخاطبان این نامه‌ها نیز بعضاً از شخصیت‌های برجسته‌ای چون مولانا محمد صادق یزدی و مولانا محمد باقر یزدی و میرزا محمد شفیع وزیر کاشان هستند. نامه‌های این برگ خصوصاً از آن جهت که بعضی از جزئیات زندگی و احوال وقاری را روشن می‌سازند، اهمیت دارند.

برگ هفتم این اثر به تهنیت‌نامه‌ها می‌پردازد. این تهنیت‌نامه‌ها به مناسبت‌های مختلفی چون ارتقای شغلی، ازدواج و صاحب فرزند شدن نوشته شده‌اند. تهنیت نامه ارتقای میرزا محمد مهدی صدر به مقام وزارت اعظم (سال ۱۰۷۱ ق) و تهنیت نامه ارتقای میرزا شیخ علی به مقام شیخ الاسلامی از جمله نامه‌های این برگ‌اند. در این میان نامه وقاری به میرزا محمد مهدی صدر در تهنیت انتصاب وی به مقام وزارت اعظمی شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق) که ایباتی را نیز در ماده تاریخ آن ملحق ساخته، نشان دهنده منزلت اجتماعی وقاری و تقرب وی در نزد عالی‌ترین مقامات دولتی در آن عصر است.

وقاری، برگ هشتم را که به تعزیت نامه‌ها اختصاص دارد، در قالب دو فصل، تحت عنوان دو غنچه، تنظیم نموده است: غنچه اول در پرسش است که وقاری آنها را خطاب به داغدیدگان از مرگ عزیزانشان نگاشته و غنچه دوم در اظهار وفات اشخاص به دیگران نوشته شده است.

برگ نهم گلدسته اندیشه از لحاظ اشتغال بر احوال اجتماعی ایران در سده یازدهم هجری یکی از پر بارترین بخش‌های کتاب است. محتوای این برگ را نامه‌هایی تشکیل می‌دهند که وقاری آنها را به خواهش دیگران و از زبان خود آنها نگاشته است. این نامه‌ها غالباً عریضه‌هایی هستند که از زبان زبردستان خطاب به مقامات بالا دست نوشته شده‌اند و در ضمن آنها حاجات این قبیل افراد از اقویا یا اغنیا درخواست شده است. برخی از جزئیات احوال زردشتیان، افغانه، قزلباشان و پاره‌ای از اقشار و اصناف اجتماعی چون شعرباغان، زرگران و پوستین دوزان از خلال نامه‌های این برگ روشن می‌شود، که برای پژوهندگان تاریخ اجتماعی ایران مفید و حائز اهمیت‌اند.

برگ دهم این اثر شامل رقعه‌هایی است که وقاری به اشخاص مختلف نوشته است. از این رقعها نیز جنبه‌هایی از حیات فکری و اجتماعی وقاری به دست می‌آید. از جمله رقعهای قابل توجه در این برگ، رقعهای است که وقاری به میرزا محمد هاشم

داماد میرزا حسن واهب، مستوفی یزد نوشته است و طی آن استرداد طلب خود را از وی درخواست کرده است. و آن طور که خود توضیح داده «این رقعہ‌ای است منشور مصنوع، بل قصیدہ‌ای است منظوم مقطوع که به استظهار غواص فکر عمیق از بحر خفیف کاللولو اللطیف استخراج یافته»<sup>۱۴</sup> و آنگاه خواستہ خویش را به زبانی بیان کرده که طبق قول وی، توأمان هم نثر است و هم نظم. وقاری، شکل نثر این رقعہ را در گلدستہ اندیشہ آورده و طریقه نظم آن را در دیوان اشعارش مندرج ساخته است.<sup>۱۵</sup>

برگ یازدهم، ویژه نامه‌هایی است که وقاری آنها را در قالبی عاشقانه به معشوقه‌های خود نوشته است. از مجموع این نامه‌ها، سه نامه به نثر و یک نامه نیز به نظم است.

نامه‌های برگ دوازدهم گلدستہ اندیشہ که آخرین بخش آن است، به نامه‌های ظرافت‌آمیز اختصاص یافته است و در قالب آنها وقاری مطالبی را در قالبی ظریف و دلنشین خطاب به بعضی از اشخاص طرح کرده است. آخرین نامه این برگ که گلدستہ اندیشہ با آن به پایان می‌رسد، شرح ماجرای نزاعی است که میان دو لوطی در اصفهان در حین بازی نردرخ می‌دهد و خلاصه با پادرمیانی بزرگان و جوانان محل، قضیہ پایان می‌پذیرد و ماجراهای دیگری در پی آن پیش می‌آید. وقاری این نامه را مطابق لهجہ عامیانه لوطی‌های اصفهان نگاشته است<sup>۱۶</sup> و این خود سندی دیگر از احوال اجتماعی آن روزگاران ایران است که از این اثر نفیس و ارزشمند به دست می‌آید.

تاکنون از گلدستہ اندیشہ یازده نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف شناخته شده است. اینجانب از این تعداد، به نه نسخه دست یافته و این اثر را بر اساس نسخه کتابخانه ملک به شماره ۳۶۷۱ که در سال ۱۰۸۵ ق در زمان حیات وقاری در اصفهان کتابت شده، مقابله و تصحیح کرده‌ام و حال این اثر برای چاپ و انتشار آماده است.

برای حسن ختام، یکی از نامه‌های کوتاه برگ دوازدهم گلدستہ اندیشہ را که به طرزی ظریف خطاب به مولانا محمد شفیع یزدی مشهور به دانشمندخان نوشته شده، می‌آوریم:

شفیع الأناما، گزندت مباد. بر رای خورشید انجلا مخفی نماند که طایفه‌ای از قوی به  
استدعای اشتها در مهمان‌سرای گرسنگی به رسم ضیافت اجتماع نموده‌اند و سفره‌چی  
خیال از نعمت‌خانه اسم سامی هر کدام را بهره‌ای رسانیده. از شین شکر بار آن، شامه را به  
شمیم شامی کباب شادان ساخته و از فای فرح نثار آن، فم را فیض فالودج قندی در مذاق

انداخته. از یای یم آثارش ید را یاد بود یخنی پلاو<sup>۱۷</sup> بر دست نهاده و از عین عنایت  
 شعارش عارض عنبر پلاو در نظر دیده جلوه داده.  
 القصه، همگی با کمال ضعف و نهایت بیتابی منتظر مقدم شریف توجه خدامند و  
 بدون قدوم مسرت لزوم توجه عالی، دست بدین مواید نمی توانند یازید.  
 توجهی کن و این قوم راز گرس برآر  
 که کارها همه موقوف یک توجه توسست<sup>۱۸</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. مولوی میرزا محمد علی، نجوم السماء (لکهنو: مطبع جعفری، ۱۳۰۳ ه. ق.)، ص ۱۱۲.
۲. مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی، دیوان وقاری، نسخه خطی (تهران: کتابخانه ملی ملک، شماره: ۵۲۲۳)، ص ۹.
۳. محمد عوفی، لباب الالباب، تصحیح علامه محمد قزوینی (تهران: کتابفروشی فخرآزی، ۱۳۶۱)، صص ۳۰۷ - ۳۱۱.
۴. زکریا قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳)، صص ۴۷۶ - ۴۷۸.
۵. امیر دولتشاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، تصحیح ادوارد براون (تهران: پدیده «خاور»، ۱۳۶۶)، صص ۱۲۲ - ۱۲۵.
۶. دیوان وقاری، ص ۹.
۷. مولانا محمد امین وقاری طبسی یزدی، گلدسته اندیشه، نسخه خطی (تهران: کتابخانه ملی ملک، شماره ۳۶۷۱)، برگ پنجم، رنگ اول، نامه نهم.
۸. محمد مفید مستوفی بافقی، جامع مفیدی، ج ۳، تصحیح ایرج افشار (تهران: اسدی، ۱۳۴۰)، ص ۴۳۶.
۹. همان، ص ۴۳۶.
۱۰. شیخ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸ (بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ه. ق.)، ص ۲۱۱.
۱۱. گلدسته اندیشه، دیباچه کتاب.
۱۲. نطعی به معنای تنبان چرمی است که پهلوانان کشتی می پوشیدند.
۱۳. برای مزید اطلاع بر فرامین سنگی مذکور به ایرج افشار، یادگارهای یزد، ج ۲ (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد، ۱۳۷۴)، صص ۱۲۳ - ۱۳۵ و ۱۴۱ - ۱۴۳ مراجعه شود.
۱۴. گلدسته اندیشه، برگ دهم، نامه هشتم.
۱۵. دیوان وقاری، صص ۱۴۵ - ۱۴۶.
۱۶. مرحوم محمد تقی دانش پژوه پیشتر نامه مذکور را تحت عنوان «نامه آفته‌ها» در مجله راهنمای کتاب (شماره ۸ - ۹، ۱۳۴۹)، صص ۶۴۲ - ۶۴۳) به نقل از جنگی که گردآوری محمد هادی فرزند محمد صالح مازندرانی بوده، به چاپ رسانده و آن را به سده دوازدهم هجری منسوب نموده است.
۱۷. یخنی پلاو به معنای پلوه‌مراه با گوشت است.
۱۸. گلدسته اندیشه، برگ دوازدهم، نامه سوم.